

# جلب مهاجرین اروپائی

درسال ۱۲۴۲

- ۶ -

یکی از منظوره‌های عمده سرقرور اوزلی این شد که صاحب نامه گذشته را بوصفی تجدید نماید که اخراجات کامپانی نسبت بدولت ایران کمتر از آن باشد که بود . بنابراین قرار داد نمود که افسرو صاحب منصب های اهل انگلیس که در دلت ایران با موجب و اخراجات کامپانی خدمت میکردند موجب از دولت ایران از وجه دویست هزار تومان کامپانی بایشان برسد . لکن دولت ایران این قرارداد را قبول نکردند ، تا اینکه در سنه هزار و هشتصد و دوازده در سلطان بود (۱) ولیعهد ایران شکست فاحش بقشون روس داده و فتح نمایان نمود . نواب نایب السلطنه و اعلیحضرت پادشاه ایران این فتح را از افسر های انگلیس دانسته بنا برین قرارداد سرقرور اوزلی را قبول نموده تجدید مصالحه کردند . قشون نایب السلطنه که سرکرده های انگریزی دوسر آنها بود در سمت طالش هم تفوق بروسیه نمود سالدات روس را در اوایل از اکثر جای طالش و لنگران بیرون کردند ، لیکن کرنل داری (۲) مجبور باین شد که با ابوابجمعی خود از میدان جنگ مراجعت نماید ، بسبب رسیدن يك كشتی روم (۳) باقرت (۴) انگریزی و آوردن خبز مصالحه که در میان دولت روس و انگریز اتفاق افتاده بود . بعد از زمان قلیل قشون روس تلافی مافات را چنانکه شاید و باید نموده در اصلاندوز (۵) و لنگران شکست تمام بنواب نایب السلطنه داده آورد (۶) و توپخانه و تدارکات بالمره بدست سالدات روسیه افتاد . در سنه هزار و هشتصد و سیزده بوساطت ایلیچی انگریز در مابین این دو دولت بنای مصالحه شد ، دولت ایران درین صلح نه تنها راضی باین شدند که دست از ادعای گرجستان بکشند ، بلکه قرا باغ و طالش تا آستانارا تسلط دریای حاجی ترخان (۷) را بالمره بدولت روس واگذار کردند . اگر چه رشت در تصرف دولت ایرانست و در حوالی آن جنگل بسیار خوب

(۱) محلی در میان قرا باغ و شکی و شیروان که در ۱۲۴۲۷ تاجا جنگی بین ایران و روسیه اتفاق افتاد

(۲) Colonel d'Aorey

(۳) مراد از روم از زمان صفویه یا آن زمان مملکت عثمانی سابقست

(۴) از کلمه انگلیسی Gazette بعضی روزنامه

(۵) دهیست در آذربایجان در ملتقای رود قرا سوبا رود ارس

(۶) بجای «اردو» که رسم الخط معمول زمانست و این کلمه اصلا مغولیت

(۷) مراد بحر خزر است که در آن زمان باین اسم هم خوانده می شده

هست ، لیکن دخل و تصرف در دریای مذکور ندارند و درین اوقات مصالحه سرداران روسیه سعی نموده تمام ولایات داغستان را بحیطه تصرف آورده نظام و قرارداد تازه در میان رعابای ولایات مذکور و قزاق با بنای نهاده اند . بعد از اتمام این صلح نامه سرقر اوزلی درجوزای سنه ۱۸۱۴ مستر موریه را در جای خود گذاشت از راه پتربرغ (۱) بلندن مراجعت نمود . اندکی بعد از آن مسترالس (۲) با دستورالعمل از برای قطع نمودن دویست هزار تومان و سایر اخراجات کامپانی وارد طهران شد و خدمت مرجوعه خود را بانجام رسانید . در سنه ۱۸۱۹ میرزا ابوالحسن خان دفعه دویم برسم سفارت از برای مطالبه صد هزار تومان شش ماهه ثانی که از سال مصالحه مانده بود وارد لندن شده بعد از گفتگو با وزیر امور خارجی حکم چنان شد که کامپانی آن صد هزار تومان را بدهد . بجهت شکست شرط سیم صلح نامه مسترالس و موریه حکم نموده اند که سرچند (۳) و صاحب منصب های انگریز ترك خدمت دولت ایران را نموده بوطن خودشان مراجعت نمایند . ولیعهد دولت ایران سعی و اهتمام بلیغ نمود که این بنارا بهم بزند ، بجائی نرسید ، این صرفه جوئی غلط مسترالس و موریه ولیعهد ایران را باین واداشت که از سر کردهای فرانسه پیدا نموده بجای افسرهای انگریز بگذارد . کرنل داریسی عرض نمود که در عرض این پنج نفر بیک زادهای ایرانی همراه خود بلندن آورده و خود متوجه امورات آنها شده ایشان را در علوم جنگ و بعضی صنایع تربیت نماید . نواب نایب السلطنه کاغذی بمستر موریه که در طهران بود نوشت که اذن او را درین خصوص حاصل نماید ، مشارالیه این مطلب را قبول نکرده متمسک باین شد که تا من از دولت خود ماذون نباشم نمیتوانم بکورتل داریسی این اذن را بدهم با همه این باز کورتل داریسی ایشان را برداشته از راه پتر بروغ وارد لندن شد . در سالهای گذشته توپخانه و قورخانه دولت ایران و تعلم سرباز و حمایت و حفظ سرحدات و امورات معادن موافق تعلیم و دستورالعمل صاحب منصبهای انگریز بود ، وقتی که افسرهای ما از تبریز مراجعت میکردند قشون نواب ولیعهد ایران باین تفصیل بود :

توپچی سواره ، ۶ توپ ، چهار دسته

توپچی ساده از برای ساختن ، دودسته

سربازان ، صد نفر

(۱) بجای پترزبورغ Petersburg که بعد از آن معمول شده است

(۲) Ellis.

(۳) املائی اصلی این اسم که ظاهراً اسم یکی از صاحب منصبان انگلیسی مامور قشون ایران بوده

سرباز نظام ، دوازده باطلیان ، هر کدام از قرار هشتصد نفر  
سواره نظام ، دودسته

سوی آنها چندین معدن آهن و معدن ذغال زمین (۱) پیدا شده که بنای  
کار کردن آنها را داشتند و همچنین دستگاهی برای ریختن گلوله توپ دشل (۲) شروع  
گشته بود ، بالاتر از سه کرور از وجه قرار دادی دولت انگلیز خرج آنها شد .  
بعد از آنکه سر قوراوزلی با افسرهای انگریزی از ایران مراجعت نمود و فواید دولتین  
روبتزل گذاشت ، مستر موریه و مستر اسطهران را گذاشته بعاوای خود مراجعت کرد .  
هنری ولک (۳) نایب در دسته سواره مدرس که او در وقت سر هرد فرجوانس اجدان (۴)  
ابواب جمعی ایلچی مذکور بود بخدمت و منصب بلند کارگزاری دولت انگلیس سرافراز  
شد و از آنوقت منافع و تسلط ما در دولت ایران در مقابل دولت روس روبتزل  
گذاشت و این هم آشکار است که دولت روس خیال دارد که در وقت فرصت ایران را  
تابع و متصل بمملکت الی غیرانتهایه وسیع خود نماید ، همین که الان تسلط و  
و اختیار دریای خضر (۵) منحصر بدولت روسست آنها میتوانند هر وقت که خواهش  
داشته باشند ضرر بمملکت شرقی ما برسانند . دولت روس نه همین فواید و منافع  
معامله و تجارت ایران را مختص و منحصر بخود کرده است بلکه همچنین توسط  
گرجستان معامله مملکت اناطولی هم بسته بآنها شده است . در سنه ۱۸۲۰ ایلچی  
متشخص و با شوکت که بسیار فراول و اهل نظام همراه داشت از دولت مذکور  
به ات و بخارا مامور گردید که راه معامله تازه از برای دولت روس پیدا نموده  
شال کشمیر را از راه راست بیازار روس بیآورند . گویا درین اوقات عظم و  
مصرف دولت ایران در پیش امتای دولت انگریز تمام شده است که چندان پایی  
نمیشوند . در سنه هزار و هشتصد و هده جنرال یرملوف (۶) برای سرداری و حکومت  
گرجستان معین شده پنجاه هزار سالدات خوب ابواب جمع او گشته بلباس و لقب ایلچی گری  
با جوانان قابل و نجیب داخل پایتخت آذربایجان و ایران شده دولت ایران هم منتهای  
حرمت و عزت باو کردند ، مشارالیه بعد از اتمام توابع مصالحه نامه ممضی شده  
کروئل مرزاویچ (۷) را بلقب کار گزار دولت روس در تبریز گذاشته خود بتفلیس

(۱) مراد زغال سنگست

(۲) ظاهراً اسم نوعی از توپ بوده است معمول قشون انگلستان در آن زمان

(۳) Henry Willoek

(۴) از کلمه انگلیسی Adjutant که درین زمان «آجودان» مأخوذ از فرانسه مینویسند

(۵) بجای دریای خزر با ملای صحیح معمول این زمان

(۶) Ermolof فرمانفرمای نظامی قفقاز در آن زمان

(۷) Mezravitch

مراجعت نمود ، مشارالیه آدمیست که قابلیت و تربیت او را بهمچنان منصب هالایق و مستحق نموده است ، فرصتی فوت نمیکند که خود را در پیش اهل ایران عزیز و محترم و خیرخواه بقم نهد . مطالب او در پیش امنای آن دولت اکثر اوقات بلکه همیشه مقبول و مقرون با حاجتست زیرا که او در خرج وجه و جهد کردن باینکه دوستان خود را روز بروز زیاد نماید مضایقه نمکند . در سنه ۱۸۱۷ که پنجاه هزار سالدات و قشون روس در مملکت گرجستان و آن سرحدات بود این اوقات بصدوسی هزار رسیده است ، با وجود اینکه در اوقات جنگ تمام قشون روسیه از سی هزار نفر زیاده تر نبود ، سبب این نوع تغییر و متحمل شدن باینقدر اخراجات کثیره گویا کرنل مرزاویچ باشد بخمال اینکه دولت روسیه بعد از این شاید تواند که در وقت فرصت و مناسب بزور قشون در مملکت ایران فساد و اغتشاش نماید . دولت انگلیس در مقابل همچنان آدم قابل و سخی الطبع مسترولک را که اولاً پائین بودن منصب او در میان قشون در نظر اهل ایران خوار و بی اعتبار نموده گذاشته اند ، مشارالیه قطع نظر از امساک و پستی رتبه دایم خلاف خواهش ولیعهد نایب السلطنه رفتار مینماید و در اکثر امورات دولت مدعی معظم الیه میشود . این بدرفتاری باعث تنزل دوستی و منافع دولت انگلیس شده ، در خصوص ندادن صد هزار تومان قراردادی که بایست حسب الحواله حضرت پادشاه مسترولک بولیهد ایران کار سازی نماید اگر چه مشارالیه ده هزار تومان از آنچه کار سازی کرده بود در قرضه گرفته کار بجای بدرسید نواب نایب السلطنه دو هزار تومان دیگر هم بمسترولک حواله نموده مشارالیه قبول نکرده ابا از دادن وجه نموده . وقتی که فایم مقام وزیر دولت ایران ابرام و اصرار درین خصوص کرد مشارالیه بیدطوری جواب داده اظهار نمود که نواب نایب السلطنه و قایم مقام او عهد و پیمان خود را که بامن نموده بودند شکسته بنای جنگ و نزاع بادولت روم گذاشته بخاک روم داخل شدند . مشارالیه این را هم علت علیحده از برای ندادن وجه قرار دادی نمود ، امنای دولت ایران اظهار ساختند که مسترولک اصلاً و قطعاً از رفتار ناهنجار پاشای ارزنته الروم خبر دار نبود و هیچ وقت دخل و تصرف باین کارها نداشت دادن ده هزار تومان مسترولک در دفعه اول و در ثانی انکار نمودن او وجه متعهد شده را سبب و علت غضب و تغیر شاه ایران شده حکم نمود که دو هزار تومان را از میرزا ابوالحسن خان که بتوسط سفارت او این وجه از ندادن بمسترولک حکم شده بود بگیرند . بعد از آرام حضرت پادشاه آقامحمد کریم مامور شد که وجه مذکور را از مسترولک مطالبه نماید . مشارالیه چون پیش از وقت خشم و تغیر شاه را دیده بود طالب انجام رسانیدن خدمت خود شده از قبضا زیاده تر از آنکه مامور شده بود بعمل آورده اظهار کرد که اگر حکم حضرت پادشاه تا پنج روز بانجام نرسد مامورست که بعد از انقضای مدت مذکور سر مسترولک را ببرد ، مسترولک بمجرد شنیدن این خبر مهماندار خواسته که بانگلیس مراجعت نماید وهمچنین

اظهار ساخت که این مطلب را وزیر او نوشته با بمر باو بدهند . حضرت پادشاه محض از راه تواضع و مرحمت فرمودند که هم چنان حکم از طرف مانده بود این سهر آقا محمد کریم بود ، اگر مسترولک توقف نماید ما در عوض این مرحمت های مخصوص در باره او مشمول خواهیم فرمود . وزیر امور خارجه دولت ایران اظهار ساخت که این اوقات که نقل مصالحه رومی در میان است رفتن مسترولک موافق عقل و قاعده درست نیست . باز مسترولک در مراجعت خود ابرام و اصرار کرد ، حضرت پادشاه اظهار ساخت که اگر مسترولک باین جهت و باین وضع مراجعت نماید ما هم لابدیم که يك نفر کار گزار بلندن فرستاده که تا در آنجا حقیقت رفتار و بد سلوکی مسترولک را بامای آن دولت حالی نموده خواهشمند شود که يك نفر آدم دیگر عوض مسترولک بایران بفرستند . این کار گزار بدخلق طهران را گذاشته روانه لندن شد ، میرزا محمد صالح که یکی از جوانان طلاب ایرانی که پیش ازین درین مملکت بودند مامور باین خدمت شد میرزای مزبور از راه روس وارد لندن گشت ، رفتار و احترام و عزت آندولت وقت عبور از خاک ایشان باید امنای ما را از رفتار بد و عدم حرمت نسبت بجوانان و طلاب ایرانی که پیش ازین بامر دولت خودشان برای تربیت درین مملکت بودند پشیمان نماید . در حین ورود بطبریغ عمارت بسیار خوب بانوکر و تدارک از برای مشارالیه حاضر و مهیا بود ، از طرف امپراطور (۱) مهمانداری معین شده بود که او را بمجموع دستگاہ و تماشا خانها ببرد . امپراطور اعظم مشارالیه را بحضور طلبیده و غایت التفات و نوازش نموده يك قطعه انگشتر الماس و پر قیمت هم باو تعارف کرده حکم فرموده بود که يك کشتی بسیار خوب از برای میرزا محمد صالح حاضر نموده و بکاپتان (۲) کشتی قدغن نمایند که هیچ کس را بدون رضای میرزای مزبور داخل کشتی نکرده و منتهای حرمت و محبت را درباره او بعمل بیاورد و حبه و دیناری هم از او و آدهای او توقع نماید يك نفر از آدهای میرزای مزبور که فنی الجملة در نقاشی سر رشته داشت حسب الخواش و فرموده امپراطور درین روزها از لندن بطبریغ مراجعت نمود که در آنجا باخراجات دولت تربیت یابد و هم چنین میرزای مذکور کاغذ داشت که اگر از وجه صد هزار تومان قراردادی در لندن کار سازی نشود سی هزار با جاقلو از ایلچی دولت روس گرفته کار سازی خود را نماید . ازین رفتارها معلومست که دولت روس از برای چه و چه خیالها سعی و تلاش دارند باینکه دوستی دولت ایران را روز بروز زیادتیر و محکم تر نمایند . مطالب میرزا محمد صالح اول عبارت ازینست که فرمان حضرت پادشاه ایران را که از برای مبارکباد و تهنیت بتاج و تخت رسیدن پادشاه انگلستان نوشته شده است برساند و ثانیاً صدونجاه

(۱) ماخوذ از کلمه لاتینی Imperator که درین زمان « امپراطور » می نویسد

(۲) ماخوذ از کلمه انگلیسی Captain بمعنی ناخدا و فرمان ده کشتی